بحثی در باره راه نیافتن روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» در گفتمان مهدویت اهل سنت

یونس دهقانی فارسانی [1]
سیدکاظم طباطبایی [2]
مهدی جلالی [3]

چکیده

روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» بیشتر در فضای فکری شیعه در بافت موضوع مهدی موعود ـ علیه السلام ـ مورد استناد قرار می‌گیرد. پرسشی که نوشتار حاضر به آن می‌پردازد، آن است که چرا با وجود ذکر پرشمار این روایت در آثار حدیثی اهل سنت و نیز باور قاطبه گروه‌های فکری آنها به موضوع مهدویت، این روایت به ادبیات مهدویت آنها راه نیافته است. در این نوشتار کوشیده‌ایم تا سه عامل را در برساختن گفتمان تفسیری این روایت در میان اهل سنت شناسایی کنیم: الف. زمینه صدور، ب. روایات تضمین کننده ترکیب اصلی روایت مورد بحث، ج. کاربردهایی که آنها در متون حدیثی سنی یافته‌اند. سپس نشان داده‌ایم که همین عوامل، فهم (خوانش) از این روایت را به گونه‌ای شکل داده‌اند که متفاوت از فهم آن در شیعه گردیده است. به این ترتیب، پیوندی میان این روایت و گفتمان مهدویت در اهل سنت ایجاد نگردیده است.

کلیدواژه‌ها: أفضل الأعمال انتظار الفرج، زمینه صدور، گفتمان مهدویت، اهل سنت.

درآمد

روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج»، یکی از روایاتی است که نقل‌های گوناگونی از آن

---

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی.
۲ . استاد دانشگاه فردوسی.
۳ دانشیار دانشگاه فردوسی.

در منابع مختلف روایی شیعی بازتاب یافته است. این روایت را در فضای فکری شیعه، بیشتر در بافت مسأله مهدویت و ظهور مهدی موعود ـ علیه السلام ـ مورد استناد قرار داده‌اند.[۴] همین روایت را در بسیاری از منابع متقدم و متأخر حدیثی اهل سنت نیز می‌توان جست.[۵] با این حال، آنچه در نگاه نخست به منابع اهل سنت به دست می‌آید، آن است که محدثان سنی مذهب این روایت را در بحث از مسأله مهدویت به کار نمی‌گیرند؛ با وجود آن که قاطبه آنها به ظهور مهدی موعود ـ علیه السلام ـ در آخرالزمان باور دارند.[۶] پرسشی که در این مقاله به دنبال پیشنهاد پاسخی برای آن هستیم، آن است که با وجود آن که باور به مهدی موعود ـ علیه السلام ـ در میان اهل سنت وجود دارد، چرا این روایت ـ که در برخی مجموعه‌های روایی مهم شیعی درباره ظهور قائم ـ علیه السلام ـ کاربرد یافته ـ در میان عالمان اهل سنت، با وجود ذکر آن در آثار روایی‌شان، در بافت مسأله مهدویت کاربردی نیافته است.

پیش از آغاز بحث باید یادآور شد که گردآوری نقل‌های گوناگون روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» از منابع شیعی و اهل سنت، نشان می‌دهد که در لفظ این نقل‌ها، اختلاف‌هایی وجود دارد.[۷] شاکله مشترک همه این نقل‌ها را می‌توان این گونه یافت: در تمام این نقل‌ها، چه در منابع شیعی و چه در منابع سنی، ترکیب «انتظار الفرج» به مثابه عنصر مشترک در روایت حاضر است. نیز در تمام نقل‌ها، عبارتی دال بر ستوده بودن و برتری «انتظار الفرج» نسبت به سایر اعمال یا سایر عبادات، گاه پیش، و گاه پس از ترکیب «انتظار الفرج» وجود دارد. به این ترتیب، رشته لفظی:

«لفظ "انتظار الفرج" + عبارتی دال بر ستایش یا ستایش تفضیلی آن»

یا رشته لفظی:

«عبارتی دال بر ستایش یا ستایش تفضیلی انتظار فرج + لفظ "انتظار الفرج"»

را می‌توان به مثابه ساختار، شاکله اصلی و وجه مشترك تمام نقل‌های مختلف روایت مورد بحث، در نظر گرفت. به این ترتیب، بر اساس این ساختار، معنایی که قدر مطلق تمام نقل‌های مختلف روایت بوده است، آن است که «انتظار فرج» امری ممدوح و مورد پسند،

---

٤. برای بحث درباره کاربردهای آن، ر.ک: ادامه مقاله.

٥. برای معرفی برخی منابع، ر.ک: ادامه مقاله.

٦. ر.ک: ادامه مقاله.

٧. بررسی‌های ما در منابع مختلف نشان داد که در حدود ۳۳ نقل مختلف از این روایت در منابع شیعی، و هشت نقل مختلف در منابع روایی اهل سنت وجود دارد.

یا ممدوح و پسندیده‌ترین امر است.

در باره فهم‌هایی که از این روایت صورت پذیرفته است، باید گفت که بررسی‌ها در منابع حدیثی شیعی و اهل سنت نشان می‌دهد که همه فهم‌های ارائه شده را می‌توان به دو دسته تقسیم یا در دو قطب تعریف نمود؛ فهمی که مقصود از این روایت را انتظار گشایش و رفع سختی در زندگی می‌داند؛ به عبارت دیگر، انتظار گشایشِ دشواری‌ها و سختی‌های زندگی را داشتن، از بهترین کارهاست. این فهم در میان اهل سنت رواج تام دارد. این فهم از روایت را برای سهولت در ارجاع به آن، «فهم اخلاقی» می‌نامیم. فهم دیگری که از این روایت در منابع می‌توان یافت، آن است که مقصود، انتظار ظهور قائم آل محمد ـ علیه السلام ـ است؛ یعنی انتظار ظهور مهدی موعود ـ علیه السلام ـ را داشتن، از پسندیده‌ترین کارها برای مؤمن است. این فهم را تنها در آثار روایی شیعی می‌توان دید. این فهم را در این نوشتار فهم «قائم ـ محور» می‌خوانیم. همچنین به جهت ارجاع آسان‌تر، در این نوشتار، فهم از روایت را «خوانش»[8] از آن روایت، و فردی که روایتی را می‌فهمد، یعنی فهم کننده روایت را، «خوانش‌گر»[9] می‌نامیم.[10]

روایت «أفضل الاعمال انتظار الفرج» در منابع شیعی

در این بخش به بررسی دو مقوله در باره روایت مورد بحث در منابع شیعی می‌پردازیم: نخست، زمینه‌های صدور آن را بازشناسی می‌کنیم. دو دیگر، کاربردهایی را که این روایت در منابع حدیثی شیعه یافته است، برمی‌رسیم. هدف، آن است که دریابیم زمینه‌های خوانش این روایت در سنت شیعی چه بوده‌اند.

الف. زمینه‌های صدور

در میان زمینه‌های صدوری که برای نقل‌های گوناگون روایت مورد بحث ما، می‌توان از دل متون روایی برکشاند، برخی به مسأله قیام حضرت حجت ـ علیه السلام ـ به مثابه خوانشی از ترکیب «انتظار الفرج» اشاره مستقیم دارند. به این ترتیب، این موارد می‌توانند رهنمون‌گر خوانش‌گر شیعی مذهب باشند که کوشیده است تا این روایت و نقل‌های

8. Reading.
9. Reader.
۱۰. باید توجه داشت که به کار بردن اصطلاح «خوانش» برای فهم در این نوشتار با تسامح همراه است و این دو مفهوم، یکسان نیستند.

گوناگون آن را به سمت خوانش قائم ـ محور از روایت مورد نظر ما ببرد. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

شیخ صدوق در کتاب *کمال الدین*، نقلی از روایت مورد نظر ما را از ابو خالد کابلی به نقل از امام سجاد ـ علیه السلام ـ می‌آورد. بر اساس این روایت، طی گفت و گویی که میان امام سجاد ـ علیه السلام ـ و ابو خالد کابلی در جریان است، ابو خالد از امام در باره ائمه می‌پرسد. امام سجاد ـ علیه السلام ـ در پاسخ از وقایع پس از وفات رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله ـ و سپس در باره امام دوازدهم و غیبت ایشان سخن می‌گویند و از شیعیان آن امام در دوره امامتشان. امام آن شیعیانی را مؤمنان به حق مخلص و صادق بر می‌شمرد که آشکارا و پنهان به دین الهی می‌خوانند. سپس امام در ادامه می‌فرمایند:

انتظار الفرج من اعظم الفرج.[11]

احمد بن علی طبرسی نیز در کتاب *الاحتجاج* خود همین نقل را می‌آورد.[12] سید هاشم بحرانی نیز این روایت را در کتاب *مدینة المعاجز* خود با اندکی اختلاف در لفظ ذکر می‌کند. نقلی که بحرانی می‌آورد، چنین است:

انتظار الفرج من اعظم العمل.[13]

این نقل با نقلی که علی نجل محمد الخطی صاحب *وفیات الائمة* از *کمال الدین* ذکر می‌کند، یکسان است.[14] در این جا شاهدیم که زمینه صدور روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» ظهور در اشاره به مسأله غیبت امام دوازدهم ـ علیه السلام ـ و ظهور ایشان دارد.[15]

اما سوای نقل‌هایی از روایت مورد بحث ـ که زمینه صدورشان در خوانش شیعی از این روایت نقش دارند ـ روایات دیگری هستند که موجب می‌گردند تا خوانش گر شیعی این روایت، خوانشی قائم ـ محور از آن ارائه دهد. این دست از روایات، روایاتی هستند که از یک سو ترکیب اصلی روایت مورد نظر، یعنی ترکیب «انتظار فرج» را تضمین کرده‌اند، و از

---

۱۱. *کمال الدین و تمام النعمة*، ج۱، ص۳۱۹-۳۲۰.

۱۲. *الإحتجاج*، ج۲، ص۵۰.

۱۳. *مدینة المعاجز*، ج۴، ص۳۱۹-۳۲۰.

۱٤. *وفیات الائمة*، ص۳۹۸-۳۹۹.

۱۵. در منابع شیعی می‌توان زمینه صدور دیگری نیز برای این روایت یافت که برای طولانی نشدن نوشتار از ذکر آن خودداری می‌کنیم. برای این نقل، نگاه کنید: *کمال الدین و تمام النعمة*، ج۲، ص۳۷۷؛ *الصراط المستقیم*، ج۲، ص۲۳۱.

دیگر سو، پیوندی با مسأله قیام قائم دارند. این گونه روایات را در این نوشتار «روایات پیرامونی» می‌نامیم. روایات پیرامونی را اگر چه نمی‌توان نقلی از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» خواند، اما می‌توان دید که آنها موجب ایجاد ارتباطی میان این روایت و مسأله قیام قائم در ذهن خوانش‌گر شیعی می‌گردند. به این ترتیب، این دسته از روایات نیز می‌توانند به مثابه عاملی در شکل‌گیری خوانش قائم ـ محور در فضای فکری شیعه به شمار آیند.

از جمله آثار متقدم شیعی ـ که می‌توان روایتی پیرامونی در آن یافت ـ کتاب *تفسیر العیاشی* است. نخستین روایت، سخنی است از امام رضا ـ علیه السلام ـ در پاسخ به پرسش محمد بن فضیل که از امام در باره فرج پرسیده بود. امام در پاسخ می‌فرمایند:

> آیا نمی‌دانی که انتظار فرج نیز جزئی از فرج است؟ همانا خداوند می‌فرماید: انتظار برید که من نیز با شما از منتظرانم.[۱۶]

عیاشی روایت را ذیل آیه ۱۰۲ سوره یونس آورده است؛ چرا که امام در سخن خود، بخش پایانی این آیه را تضمین، فرموده اند.[۱۷] این روایت را اگر به مثابه گزارشی تاریخی ببینیم، آن گاه می‌توان این گونه گفت که پرسش محمد بن فضیل در باره مسأله فرج امام، خود نشان دهنده این است که واژه «فرج» به مثابه کلیدی‌ترین واژه روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج»، با مسأله قائم آل محمد پیوند خورده است. در واقع، از این روست که محمد بن فضیل، از به دست گرفتن زمام امور از سوی امام رضا ـ علیه السلام ـ با واژه «فرج» تعبیر می‌کند.[۱۸]

در جمع‌بندی این بحث باید گفت که به گمان قوی در میان شیعیان، زمینه‌های صدور روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» و نیز روایات پیرامونی آن به مثابه یک عامل موجب می‌گردیده که خوانش‌گر شیعی این روایت، به سمت خوانش قائم‌ـمحور گرایش

---

۱۶. لفظ روایت چنین است: «ا و لیس تعلم ان انتظار الفرج من الفرج؟ ان الله یقول: انتظروا انی معکم من المنتظرین».

۱۷. *تفسیر العیاشی*، ج۲، ص۱۳۸.

۱۸. روایت پیرامونی دیگری را نیز می‌توان در *تفسیر العیاشی* یافت که وی از امام رضا –علیه السلام - ذیل آیه ۹۳ سوره هود می‌آورد. برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، از آوردن آن خودداری می‌کنیم. برای این روایت نگاه کنید: *تفسیر العیاشی*، ج۲، ص۱۵۹. روایات پیرامونی دیگری نیز در منابع روایی معتبر شیعی قابل مشاهده است. برای نمونه ر.ک: *الکافی*، ج۵، ص۱۹؛ *الکافی*، ج۲، ص ۲۲-۲۳؛ *الغیبة*، ص۲۵۳؛ *هدایة الکبری*، ص۳۵۸.

یابد.[19] به عبارت دیگر، وی با دیدن این زمینه‌های صدور و نیز روایات پیرامونی، متقاعد می‌شده که این روایت، انتظار ظهور حضرت مهدی ـ علیه السلام ـ را پسندیده‌ترین اعمال دانسته است.

ب. کاربردها

در کنار زمینه صدور و همچنین روایات پیرامونی آن، عاملی دیگری که به نظر می‌تواند تعیین کننده قایل شدن به یکی از خوانش‌های قائم‌ـمحور یا اخلاقی روایت مورد بحث باشد، کاربردی است که روایت مورد بحث یافته است. مقصود از کاربرد در این‌جا آن است که چه تلقی‌ای از روایت مورد بحث صورت گرفته است. نکته‌ای که باید به آن توجه داشت، آن است که محل قرار گرفتن یک حدیث در یک اثر، می‌تواند کاربرد آن حدیث را در آن کتاب آشکار سازد؛ حتی اگر مؤلف سخنی درباره آن کاربرد در کتابش به زبان نیاورده باشد. در ادامه، به تحلیل کاربرد روایت مورد نظر، با بهره‌گیری از بررسی جایگاه روایت در یک اثر روایی می‌پردازیم.

در گام نخست باید از یکی از رایج‌ترین و مهم‌ترین کاربردهای این روایت سخن گفت که همانا دلالت داشتن بر مسأله قیام قائم است که یکی از ائمه ـ علیه السلام ـ می‌توانسته باشد، یا زعامت سیاسی یکی از ایشان، یا قیام امام دوازدهم ـ علیه السلام ـ و زعامت سیاسی ایشان. این کارکرد یکی از اصلی‌ترین کارکردهای این روایت است که در منابع روایی مهم شیعه، از جمله در آثاری همچون *الغیبة* نعمانی و *کمال الدین* صدوق، که اختصاصاً در مسأله غیبت امام دوازدهم نگاشته شده‌اند، به چشم می‌خورد.[20] در مجموعه‌های حدیثی متأخرتر مانند *بحار الانوار* مجلسی یا در تک‌نگاری‌هایی که در این موضوع نگاشته شده‌اند، می‌توان این کارکرد را شاهد بود.[21]

درباره نقش کارکردها در شکل دهی به خوانش قائم‌ـمحور از روایت مورد بحث در فضای فکری شیعی باید گفت که کاربردهای یک روایت به سان زمینه صدور آن روایت،

۱۹. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت، آن است که در میان آثار روایی شیعی، خوانش‌هایی را می‌توان سراغ گرفت که به سمت قطب خوانش اخلاقی از این روایت گرایش دارند. این که چرا شاهد چنین خوانش‌هایی از روایت مورد نظر در متون روایی شیعی هستیم، از بحث این نوشتار خارج است. برای نمونه‌هایی از این دست خوانش در منابع شیعی، ر.ک: *الامالی* (طوسی)، ص۲۳۶؛ *معانی الاخبار*، ص۱۹۹؛ *تحف العقول*، ص۱۰۰.

۲۰ . برای نمونه ر.ک: *کمال الدین و تمام النعمة*، ج۲، ص۳۳۳.

۲۱. برای نمونه ر.ک: *بحار الأنوار*، ج۵۲، ص۱۲۲-۱۵۰؛ *الصحیفة المهدی*، ص۱۳.

در تولید خوانش نقشی ندارند. این بافت، یا زمینه صدور است که در شکل‌دهی به خوانش نقش اثرگذاری دارد. کاربردها پس از شکل‌گیری خوانش شکل می‌گیرند. اما کارکردها می‌توانند خوانش‌ها را در طول زمان، پیوسته بازتولید کنند. به بیان دیگر، این زمینه‌های صدور هستند که خوانش‌ها را می‌سازند، اما نقش‌هایی که این خوانش‌ها دارند، در آثاری که آنها را ثبت کرده‌اند، آن خوانش را از قوام برخوردار می‌کنند. این کاربردها، اجازه نمی‌دهند که خوانش‌گری خوانشی متفاوت از آنچه پیشینیان ارائه کرده‌اند، ارائه دهد، یا ارائه خوانش جدید را سخت دشوار می‌سازند.

روایت «أفضل الاعمال انتظار الفرج» در منابع اهل سنت

در بخش پیشین به بررسی زمینه‌های صدور و کاربردهای روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» در آثار روایی شیعی پرداختیم و گفتیم که این زمینه‌های صدور، در کنار روایات پیرامونی و نیز کاربردهای روایت مورد بحث، احتمالاً خوانش‌گر شیعی را وادار می‌ساخته تا خوانشی اخلاقی از روایت مورد نظر ارائه دهد در این بخش، زمینه‌های صدور این روایت را و نیز کاربردهایی که در آثار روایی اهل سنت یافته، مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهیم.

الف. زمینه صدور و زیادت‌های لفظی

در میان اهل سنت، تنها یک زمینه صدور را برای روایت «أفضل الاعمال انتظار الفرج» می‌توان سراغ گرفت. ابن سلامه در کتاب *دستور معالم الحکم* ـ که به سخنان حکمت آمیز امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ اختصاص دارد ـ از پیرمردی شامی با نام زید بن صوحان نام می‌برد که درباره فضایل امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ شنیده بود، و از همین رو به نزد حضرت آمد. وی از حضرت پرسش‌ها می‌کند و حضرت نیز به وی جواب می‌دهند. طی یکی از این پرسش‌ها، وی از حضرت درباره بافضیل‌ترین کارها می‌پرسد که حضرت پاسخ می‌دهند: « انتظار الفرج».[۲۲] با توجه به پرسش‌های پیشین و پسین این پرسش ـ که درباره بزرگ‌ترین مصیبت در دین و بهترین مردمان است[۲۳] ـ خوانش‌گر اهل سنت می‌تواند نتیجه

۲۲. *دستور معالم الحکم*، ص۱۰۳.

۲۳. متن این بخش از گفت و گو چنین است: «قال فأی المصائب أشد؟ قال: المصیبة فی الدین. قال فأی الأعمال أحب إلی الله عز وجل؟ قال: انتظار الفرج. قال: فأی الناس خیر عند الله؟ قال أخوفهم لله وأصبرهم علی التقوی وازهدهم فی الدنیا» (*دستور معالم الحکم*، همانجا).

بگیرد که مقصود حضرت، انتظار گشایش در امور زندگی بوده است.[۲۴]

با آن که در میان کتب حدیثی اهل سنت، زمینه صدور به میزان آنچه در آثار حدیثی شیعی شاهد بودیم، ذکر نگردیده است، اما می‌توان در این آثار نقل‌هایی از روایت مورد نظر یافت که می‌توانند در حکم زمینه صدور باشند. این نقل‌ها، نقل‌هایی هستند که نسبت به لفظ «أفضل الأعمال انتظار الفرج»، دارای زیادت‌هایی هستند. به نظر می‌رسد که این زیادت‌های لفظی، می‌توانسته‌اند خوانش خوانش‌گر سنی مذهب را تحت تأثیر قرار دهند؛ بدین نحو که جهت بیان روایت را به سوی یکی از دو خوانش اصلی روایت، یعنی خوانش اخلاقی یا خوانش قائم‌ـمحور آن سوق دهند. در ادامه به نمونه‌هایی از این دست نقل‌های همراه با زیادت در لفظ اشاره می‌کنیم:

یکی از نقل‌های مهم و پربسامد روایت ما در متون اهل سنت، نقلی با این لفظ است:

سلوا الله من فضله، فأنه یحب ان یسأل، و إن من أفضل العبادة انتظار الفرج.[۲۵]

با در نظر گرفتن لفظ این نقل، شماری از مفسران اهل سنت، آن را ذیل آیه ۳۲ سوره نساء آورده‌اند.[۲۶] بخشی از آیه «و اسألوا الله من فضله» با بخشی از نقل یاد شده از روایت ما، به لحاظ لفظی نزدیک است. آنچه که متن آیه به آن اشاره دارد، آن است که آنچه را که خداوند به آن، برخی از شما را بر برخی دیگر فضل داده، آرزو نکنید. زنان نصیب خود و مردان نصیب خود را می‌برند. در مقابل، از فضل خدا طلب کنید. طبری در تفسیر خود، ضمن آوردن این نقل از روایت مورد بحث، اشاره می‌کند که برخی گفته‌اند که زنان آرزو می‌کردند همانند مردان می‌توانستند جهاد کنند. نقل دیگر، آن است که زنان آرزو می‌کرده‌اند که سهم ارثی برابر با مردان می‌داشتند. طبری می‌گوید که خداوند ضمن این آیه، زنان را از آرزوهای باطل باز داشته، و به آنها می‌گوید که از فضل خدا طلب کنید؛ چرا

---

۲۴. این زمینه صدور را عالمان شیعی در آثار خود فراوان ذکر کرده‌اند؛ مثلاً نگاه کنید: *من لایحضره الفقیه*، ج۴، ص۲۷۴؛ *الامالی* (ابن بابویه)، ص۴۷۹؛ *الامالی* (طوسی)، ۲۳۶؛ *الاربعون حدیثا*، ص۶۳ (اصل روایت: ص۶۱-۶۴).

۲۵. این نقل را می‌توان در آثار روایی بسیاری یافت. برای نمونه رک: *الدر المنثور*، ج۲، ۱۴۹؛ *جامع البیان*، ج۴، ص۷۰-۷۱؛ *احیاء علوم الدین*، ج۱، ص۳۱۲؛ *الجامع الصحیح*، ج۵، ص۲۲۵-۲۲۶؛ *کنز العمال*، ج۲، ص۳۶، ۷۹؛ ج۳، ص۲۷۲؛ *الفرج بعد الشدة*، ص۲۷.

۲۶. متن آیه ۳۲ سوره نساء چنین است: «وَ لاَ تَتَمَنَّوْاْ مَا فَضَّلَ اللهُ بِهِ بَعْضَكُمْ على بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُواْ وَلِلنِّسَاء نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَ اسْأَلُواْ اللهَ مِن فَضْلِهِ إِنَّ اللهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا».

که خداوند دوست می‌دارد که از او طلب کنند.[۲۷] این روایت ذیل این آیه در شماری دیگر از تفاسیر اهل سنت مانند *تفسیر الثعلبی*،[۲۸] *تفسیر ابن کثیر*،[۲۹] *الدر المنثور* سیوطی[۳۰] و *تفسیر ابو السعود*[۳۱] قابل پی‌جویی است. به این ترتیب، ذکر روایت مورد بحث ذیل این آیه، با توجه به آنچه مفسران ذیل این آیه آورده‌اند، خوانش‌گر اهل سنت را وامی‌دارد که این روایت را این گونه بفهمد: از فضل خدا طلب کنید و بر رسیدن آن فضل و گشایش امرتان شکیبا باشید. به این ترتیب، به نظر می‌رسد که برای خوانش‌گر اهل سنت مجالی باقی نمی‌ماند که حتی با وجود باور به مسأله مهدویت، ترکیب «انتظار فرج» را در روایت مورد بحث، انتظار ظهور مهدی موعود ـ علیه السلام ـ بخواند.

از جمله آثار دیگر نگاشته شده در فضای علمی اهل سنت ـ که نقلی از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» را همراه با زیادتی در لفظ در بردارد ـ کتاب *الفرج بعد الشدة* اثر ابو علی مُحَسِّن تنوخی (م۳۸۴ق) قاضی و ادیب برجسته بغداد است. تنوخی نقلی از روایت ما را از امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ با این لفظ می‌آورد:

أفضل عمل المتحنين، انتظار الفرج من الله، و الصبر على قدر البلاء.[۳۲]

در این نقل از روایت نیز، همانند نقلی که در بند پیش از آن بحث شد، زیادت‌های لفظی نسبت به روایت مورد بحث شاهدیم. این عبارات زیاده نیز می‌توانند جهت بیان روایت را تعیین کنند. در این جا سخن از کسانی است که از راه فرو فرستادن بلا از سوی خدا مورد آزمایش قرار گرفته‌اند. امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ می‌فرمایند که برترین عمل این افراد آن است که بر آن بلا صبر پیشه کنند و منتظر رفع آن از سوی خدا باشند. می‌توان اندیشید که هر خوانش‌گری از اهل تسنن با دیدن این زیادت‌های لفظی، «انتظار فرج» را انتظار رفع بلا می‌فهمد.[۳۳]

---

۲۷. *جامع البیان*، ج۴، ص۷۰-۷۱.
۲۸. *الکشف و البیان*، ج۳، ص۳۰۰.
۲۹. *تفسیر القرآن العظیم*، ج۱، ص۵۰۰.
۳۰. *الدر المنثور*، ج۲، ص۱۴۹.
۳۱. *تفسیر ابی السعود*، ج۲، ص۷۵.
۳۲. *الفرج بعد الشدة*، ج۱، ص۱۹.
۳۳. نقل سومی را نیز می‌توان در منابع اهل سنت یافت که نسبت به روایت مورد بحث، زیادت لفظی دارد. لفظ این نقل چنین است: «انتظار الفرج من الله بالصبر عبادة، و من رضی من الله - عز و جل - بالقلیل من الرزق رضی الله - عز و جل - منه بالقلیل من العمل» (*ادب الدنیا و الدین*، ج۱، ص۲۷۰). در این نقل نیز سخن از روزی و تنگی رزق ←

بر اساس آنچه گذشت، در میان اهل سنت، در کنار زمینه صدوری که برای روایت ذکر شده است، با وارد شدن برخی نقل‌ها از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» ـ که نسبت به آن زیادتی در لفظ داشته‌اند ـ جهت بیان آن روایت به نحوی تعیین می‌شود که خوانش‌گر، تمایل به قطب خوانش اخلاقی می‌یابد؛ یعنی آن را این گونه می‌فهمد که با فضیلت‌ترین کارها، انتظار گشایش در سختی‌هاست.

ب. کاربردها

در بخش پیشین گذشت که در حوزه اهل سنت، زمینه صدور و برخی زیادت‌های لفظی در نقل‌هایی از روایت مورد بحث، خوانش‌گر اهل سنت را به سوی قطب خوانش اخلاقی می‌کشانیده است. در این جا به دنبال آنیم تا بیابیم که این روایت، چه کاربرد یا نقشی در آثار حدیثی داشته است. هدف، آن است تا دریابیم که خوانش‌گر اهل سنت، با مراجعه به این آثار، با چه بافتی برای روایت مورد بحث ما مواجه می‌شده است. این جا نیز برای یافتن کاربرد این روایت، به بررسی جایگاه این روایت در آثار روایی می‌پردازیم. باید تأکید کرد این که روایتی اساساً در چه اثری آمده، یا این که در آن اثر در چه فصلی و ذیل چه بابی آورده شده، خود نمایش‌گر بافتی است که خوانش‌گر، این روایت را می‌توانسته در آن بافت بخواند. البته در کنار آثار روایی، آثار تفسیری نیز می‌توانند در این میان یاری‌رسان باشند. در آثار تفسیری، بافت، آن آیه‌ای خواهد بود که مفسر، روایت مورد بحث ما را ذیل آن آورده است. در ادامه تحلیلی را از بافت روایت مورد بحث در برخی آثار حدیثی و تفسیری ارائه می‌دهیم. بحث را با منابع حدیثی آغاز می‌کنیم.

ترمذی عالم حدیث برجسته سده سوم قمری، یکی از متقدم‌ترین محدثان اهل سنت که نقل‌هایی از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» را در کتاب *السنن* خود آورده، نقلی از روایت ما را در بخشی با عنوان «ابواب الدعوات» جای داده است. وی ششمین باب از این مجموعه ابواب را «باب فی انتظار الفرج و غیر ذلک» نامیده است. در این بخش، روایاتی دیگر در باب درخواست از خدا وارد شده‌اند.[۳۴] به این ترتیب، شاهدیم بابی که ترمذی نقلی از روایت مورد بحث را در آن قرار داده، باب مجموعه روایاتی است در مورد درخواست

در کنار روایت مورد بحث قرار گرفته که باز موجب خوانش اخلاقی از آن می‌گردد. ابو بکر احمد بن حسین بیهقی، محدث و فقیه هم‌کیش ماوردی، در کتاب الآداب خود - که اثری در حوزه ادبیات اخلاقی است - دو نقل از روایت مورد بحث را - که مشابه نقل ماوردی در *ادب الدنیا والدین* هستند - ذکر می‌کند (ر.ک: *الآداب*، ج۳، ص۴۵).

۳۴. *الجامع الصحیح*، ج۵، ص۲۲۵-۲۲۶.

از خداوند و شکیبا بودن برای استجابت درخواست.

در سده سوم قمری، ابن ابی الدنیا، عالم اهل حدیث بغدادی در کتابی با عنوان الصبر و الثواب علیه، نقلی از روایت ما را وارد ساخته است.[۳۵] عنوان کتاب، خود گویای آن است که روایت مورد بحث در بافت مجموعه روایاتی قرار گرفته که اشاره به صبر بر گرفتاری‌ها دارند و ثوابی که فرد صابر از این صبر خود به اجر می‌برد.

یک سده بعد و در سده چهارم قمری، ابو علی مُحَسِّن تنوخی (م۳۸۴ ق)، ادیب و قاضی مشهور بغداد در کتاب *الفرج بعد الشدة*، نقلی از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» را از امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ ذیل بابی با عنوان «اقوال الحکماء فی الصبر» جای داده است.[۳۶] عنوان باب به خوبی گویای آن است که تنوخی با سخن امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ معامله سخنی حکمت‌آمیز در باب صبر کرده که صاحب سخن، مخاطب خود را به صبر و شکیب بر ناملایمات پند می‌دهد. این بافت، خوانش‌گر اهل سنت را ـ که با روایت مورد نظر ما مواجه می‌گردد ـ به سمت خوانش اخلاقی سوق می‌دهد. بررسی برخی منابع دیگر روایی اهل سنت ـ که در سده‌هایی پس از سده پنجم نگاشته شده‌اند ـ نشان می‌دهد که در آنها نیز روایت مورد نظر ما، کاربردی مشابه آنچه تاکنون گفته‌ایم، داشته است.[۳۷]

اما در متون تفسیری نیز می‌توان کاربردی را برای این روایت جست؛ چه مفسر، آن گاه که تصمیم دارد روایت مورد بحث را ذیل آیه‌ای به کار گیرد، با خوانشی که از روایت دارد، و با اعطای مکانی به آن در تفسیرش، یعنی آوردن آن ذیل یک آیه، به روایت بافتی را داده است. این در مقیاس آثار روایی به آن ماند که محدث، روایت مورد بحث را با گروهی دیگر روایات ذیل بابی آورده و نامی برای آن برگزینند. در این‌جا به ذکر دو مثال از منابع تفسیری

۳۵. *الثواب و الصبر علیه*، ج۱، ص۱۲۷. نقلی که ابن ابی الدنیا آورده، از این قرار است: انتظار الفرج بالصبر عبادة.

۳۶. *الفرج بعد الشدة*، ج۱، ص۱۹.

۳۷. برای نمونه ر.ک: *ادب الدنیا و الدین*، ج۱، ص۲۷۰؛ *احیاء علوم الدین*، ج۱، ص۳۱۲؛ *الفروع*، ج۲، ص۱۸۸؛ *مجمع الزوائد*، ج۱۰، ص۲۲۱-۲۲۳؛ *کنز العمال*، ج۳، ص۵۲؛ *الآداب*، ج۳، ص۴۵. از میان تمام آثار روایی اهل سنت در تمام ادوار تاریخی، ما توانسته‌ایم تنها عالمی حنفی با نام قندوزی بلخی (م۱۲۴۹ق) را ـ که از اهل تصوف بوده ـ بیابیم که روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» را همانند شیعیان فهم کرده است: «أی انتظار الفرج بظهور المهدی سلام الله علیه» (*ینابیع المودة*، ص۵۹۲). از آنجا که می‌دانیم اهل تصوف به امیرالمؤمنین و فرزندان ایشان همانند شیعیان توجه و دلبستگی نشان می‌داده‌اند، این خوانش شیعی‌گون را نمی‌توان در عداد خوانش‌های اهل سنت به شمار آورد. به لحاظ نظری می‌گوییم که این خوانش بیرون از گفتمان تفسیری اهل سنت از روایت مورد نظر است. نگاه کنید: بخش پنجم نوشتار حاضر.

اکتفا می‌کنیم:

در سده نهم قمری شاهدیم که جلال الدین سیوطی در تفسیر روایی خود با عنوان *الدر المنثور* نقل‌های متعددی از روایت مورد بحث را ذیل آیه ۳۲ سوره نساء می‌آورد. قابل توجه‌ترین نقلی که وی می‌آورد، دارای این لفظ است: «سلوا الله من فضله فانه یحب ان یسأل، و ان من افضل العبادة انتظار الفرج».[۳۸] او با توجه به بافتی که به نقل‌هایی از روایت مورد بحث ما می‌دهد، یعنی آوردن آن ذیل آیه ۳۲ سوره نساء، خوانشی از آنها ارائه داده است که مایل به قطب خوانش اخلاقی از روایت مورد نظر است.

در سده چهاردهم قمری ابن عاشور، از مفسران مطرح اهل سنت در دوره معاصر، ذیل آیه ۴۹ سوره فصلت نقلی از روایت مورد نظر را می‌آورد.[۳۹] ذیل این آیه ابن عاشور به شرح معنای آیه می‌پردازد که اگر شری به انسان رسید، به زودی او از رحمت خدا ناامید می‌شود و این، از آن رو است که او شکیبایی پیشه نمی‌کند. سپس نقلی از روایت ما را می‌آورد، بدون این که ذکر سندی کند یا گوینده حدیث را معرفی نماید. متن روایتی که ابن عاشور نقل می‌کند چنین است: «انتظار الفرج بعد الشدة عبادة».[۴۰] این بافت برای روایت ما نو و بی سابقه است. این بافت به شکلی روشن نشان دهنده خوانش ابن عاشور از روایت است. او انتظار کشیدن گشایش به هنگام شدت و سختی را از بندگی خوانده و از همین رو آن را ذیل آیه یاد شده در بالا آورده است. خوانش او بی‌شک خوانشی اخلاقی روایت ماست.

در جمع‌بندی از این بحث باید گفت که زمینه صدور روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج»، زیادت‌های لفظی برخی نقل‌های آن و سرانجام برخی کاربردهایی که در متون حدیثی و تفسیری اهل سنت یافته است، همواره خوانش‌گر سنی مذهب را به این سو رانده است، که در مقام خوانش آن، به سمت خوانش اخلاقی تمایل یابد.

مبانی روایی اندیشه مهدویت در میان اهل سنت

پیش‌تر گذشت که در میان شیعه برخی از خوانش‌های ارائه شده از روایت مورد بررسی

---

۳۸. *الدر المنثور*، ج۲، ص۱۴۹.

۳۹. متن این آیه چنین است: «لا یَسْأَمُ الْإِنْسانُ مِنْ دُعاءِ الْخَیْرِ وَ إِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَیَؤُسٌ قَنُوط».

۴۰. *التحریر و التنویر*، ج۲۵، ص۸۵.

ما، با اندیشه مهدویت پیوند خورده بود.[41] در خوانش‌های شیعی، ترکیب «انتظار فرج» را به مثابه ترکیب اصلی روایت مورد بحث، انتظار ظهور حضرت حجت ـ علیه السلام ـ فهم کرده‌اند؛ اما می‌دانیم که اندیشه مهدویت ظهور مهدی در آخر الزمان، در میان آثار روایی اهل سنت نیز یافت می‌شود. با وجود این، با مروری که بر خوانش‌های ارائه شده از روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» از سوی علمای اهل سنت در طول تاریخ اسلام داشتیم، دیدم که خوانشی مشابه خوانش شیعه از این روایت، مطرح نبوده است. پرسش ما در این‌جا آن است که پس چه روایاتی در باب مسأله مهدویت مورد توجه اهل سنت قرار گرفته‌اند و چگونه این روایات با مسأله مهدویت پیوند می‌خورند که روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» پیوند نمی‌خورد.

الف. نوع روایت‌های مورد استناد

پیش از آغاز بحث باید روی این نکته دست گذاشت که تقریباً همه گروه‌های اهل سنت به اندیشه مهدویت قایل‌اند. ابو طیب شمس الحق العظیم آبادی (م۱۳۲۹ق) در کتاب خود با عنوان عون المعبود ـ که شرح سنن ابوداوود است ـ در آغاز شرح خود بر «کتاب المهدی» از *سنن ابی‌داوود*، این گونه می‌گوید که مشهور میان همه اهل اسلام در همه دوران‌ها آن بوده است که بی‌شک در آخر الزمان مردی از اهل بیت رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله ـ ظهور می‌کند که دین خدا را یاری می‌دهد، عدل را می‌گستراند و مسلمانان از وی تبعیت خواهند کرد.[42] نیز محمد بن جعفر الکتانی در اثر خود با عنوان *نظم المتناثر من الحدیث المتواتر*، ذیل کتاب «أشراط الساعة»، در بخش احادیث «خروج المهدی»، ابتدا طرقی چند از روایات مربوط به خروج مهدی را ذکر می‌کند و سپس می‌افزاید که اخبار مهدی به حد تواتر رسیده‌اند.[43] اگر چه که می‌دانیم در میان اهل سنت، اختلافاتی در نوع اندیشه‌شان نسبت به مسأله مهدویت وجود دارد، اما دو گفته از دانشمندان معاصر اهل سنت، دست‌کم دلالت بر وجود اتفاق نظر میان آنها بر مسأله مهدی به مثابه کسی که ظهورش در آخر الزمان از سوی رسول خدا ـ صلی الله علیه و آله ـ وعده داده شده است، دارد.[44]

---

۴۱. نگاه کنید به بخش اول همین نوشتار.

۴۲. *عون المعبود*، ج۱۱، ص۳۶۱.

۴۳. *نظم المتناثر*، ص۲۲۶.

۴۴. روایت‌هایی که در سنت روایی اهل سنت به مسأله مهدویت اشاره دارند، تقریباً از سوی عمده بزرگان آنها در ←

بر اساس برخی پژوهش‌ها، روایات مربوط به مسأله مهدویت را در دست‌کم ۲۷ مجموعه روایی مشهور اهل سنت می‌توان یافت. از جمله برجسته‌ترین این آثار این‌ها هستند: *المصنف* عبدالرزاق صنعانی، *المصنف* ابن ابی شیبه کوفی، *مسند* احمد بن حنبل، *سنن* ابن ماجه و *سنن* ابوداوود. البته باید تأکید نمود که دو کتاب مشهور *صحیح البخاری* و *صحیح مسلم* جزو این مجموعه قرار نمی‌گیرند و روایاتی در باب مهدویت به خود اختصاص نداده‌اند.[۴۵] سوای نقل روایات مهدویت در مجموعه‌های روایی، شاهدیم که علمای اهل سنت به نگارش تک‌نگاری‌هایی نیز درباره مسأله مهدویت دست زده و آثار متعددی را به گردآوری روایات مهدویت اختصاص داده‌اند. أبو یعلی البیضاوی محقق کتاب *العَرف الوردی فی اخبار المهدی* از جلال الدین سیوطی، در انتهای این اثر، فهرستی را از ۵۹ تک نگاری ارائه می‌دهد که از ابتدای تاریخ اسلام تا دوره معاصر از سوی علمای اهل سنت به مسأله مهدویت اختصاص یافته‌اند. البته همه این آثار برجای نمانده‌اند.[۴۶] بر اساس بررسی أبو یعلی، قدیمی‌ترین اثر مستقل در این باره را ابو بکر بن ابی خیثمة النَسائی (م۲۷۹ق) در سده سوم قمری با نام «الأحادیث الواردة فی المهدی» نگاشته است.[۴۷]

اما درباره نوع روایاتی که در میان آثار روایی اهل سنت به مسأله مهدویت اختصاص یافته‌اند، باید گفت که این دست از روایات بیشتر از جنس روایات ملاحم و فتن هستند. در واقع، این دست از روایات اهل سنت به اخبار آخرالزمان با محوریت مهدی موعود اختصاص یافته‌اند. در این نوع از روایات به مسائلی مانند نام حضرت،[۴۸] ویژگی‌های

آثارشان نقل گردیده‌اند. أبوطیب عظیم آبادی در کتاب خود از ترمذی، ابو داوود، ابن ماجه، ابو بکر بزار، حاکم نیشابوری، طبرانی و ابو یعلی (م۳۰۷ق، صاحب مسند) به مثابه عالمان اهل حدیثی یاد می‌کند که روایات مربوط به موضوع مهدویت را در آثار خود وارد ساخته‌اند. در ادامه نیز چهارده تن از صحابه رسول خدا –صلی الله علیه و آله – را از جمله امیرالمؤمنین، ابن عباس، ابن عمر، عبدالله بن مسعود، انس بن مالک، ام سلمة و دیگران، به مثابه کسانی نام می‌برد که روایات مربوط به مسأله مهدویت را نقل کرده‌اند (ر.ک: *عون المعبود*، ج۱۱، ص۳۶۱).

۴۵. *بررسی تطبیقی مهدویت*، ص۳۸ - ۵۵.

۴۶. *العرف الوردی*، ص۱۸۸ - ۱۹۵.

۴۷. *العرف الوردی*، ص۱۸۸. باید تأکید کرد که میان اهل سنت درباره مهدی موعود - علیه السلام - دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. نیز دیدگاه‌های آنها در این باره با شیعه نیز متفاوت است (ر.ک: *امام مهدی - علیه السلام -*، ص۲۷ - ۳۰).

۴۸. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: أخرج نعیم بن حماد، عن أبی سعید خدری، عن النبی –صلی الله علیه و آله - قال: «اسم المهدی اسمی» (*العرف الوردی*، ص۱۰۶).

ظاهری و خلق و خوی ایشان،[۴۹] این که از نسل چه کسی هستند،[۵۰] محل ظهور ایشان،[۵۱] نشانه‌های ظهور ایشان،[۵۲] وقایع مهمی که به هنگام ظهور به وقوع می‌پیوندد،[۵۳] حال دنیا و حال مسلمین به هنگام ظهور،[۵۴] آثار حکمرانی ایشان بر زندگی انسان‌ها[۵۵] و جز آن اشاراتی رفته است.[۵۶] به این ترتیب، می‌توان مشاهده نمود که در میان اهل سنت چه دسته روایاتی درباره مهدی موعود ـ علیه السلام ـ وارد گردیده است.

ب. جایگاه روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج»

در بخش پیشین به بررسی مسأله مهدویت در آثار روایی اهل سنت پرداختیم. در این بخش می‌کوشیم تا دریابیم که روایت مورد نظر در این مجموعه‌های حدیثی چه جایگاهی دارد. برای این منظور، برخی از آثار نگاشته شده فضای اهل سنت را ـ که به مسأله مهدویت اختصاص دارند ـ مورد بررسی قرار می‌دهیم. می‌کوشیم تا با توجه به سیر تاریخی

۴۹. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: عن حذیفة، قال: قال رسول الله –صلی الله علیه و آله –: «المهدیّ رجل من وُلدی، وجهه کالکوکب الدُّرّی» (*الأربعون حدیثا فی المهدی*، ص۶۰).

۵۰. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: عن أم سلمة - رضی الله عنها - قالت: سمعت رسول الله –صلی الله علیه و آله - یقول: «المهدی من عترتی من ولد فاطمة - رضی الله عنها -» (*عقد الدرر*، ص۶۹). أخرج ابو نعیم، عن أبی سعید، عن النبی –صلی الله علیه و آله - قال: «المهدی منا أهل البیت، رجل من أمتی أشم الأنف، یملأ الأرض عدلاً کما ملئت جوراً» (*العرف الوردی*، ص۴۹).

۵۱. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: أخرج أیضاً [نعیم] عن قتادة قال: قال رسول الله –صلی الله علیه و آله -: «أنه یخرج من المدینة إلی مکة، فیستخرجه الناس من بینهم، فیبایعونه بین الرکن و المقام و هو کاره» (همان، ص۱۱۶).

۵۲. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: أخرج نعیم، عن [عبدالله بن] عمرو بن العاص قال: علامة خروج المهدی إذا خسف بجیش بالبیداء فهو علامة خروج المهدی (همان، ص۸۸ - ۸۹).

۵۳. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: أخرج [نعیم بن حماد عن کعب] ایضا عن علی - علیه السلام - قال: «تخرج رایات السود، تقاتل سفیانی، فیهم شاب من بنی هاشم، فی کتفه الیسری خال، و علی مقدمته رجل من بنی تمیم، یدعی شُعیت بن صالح، فیهزم أصحابه» (همان، ص۹۲).

۵۴. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: عن جابر بن سمرة، عن نافع بن عتبة قال: سمعت رسول الله –صلی الله علیه و آله - یقول: «تقاتلون جزیرة العرب، فیفتحهم الله، ثم تقاتلون فارس، فیفتحهم الله، ثم تقاتلون الدجال، فیفتحه الله» (*عقد الدرر*، ص۲۷۶).

۵۵. برای نمونه می‌توان به این روایت اشاره نمود: عن أبی سعید الخدری، عن النبیّ –صلی الله علیه و آله –، قال: «یتنعّم أمّتی فی زمان المهدیّ نعمة لم یتنعّموا مثلها قطّ، یرسل [الله] السماء علیهم مدراراً، و لا تدع الأرض شیئاً من نباتها (إلاّ أخرجته)» (*الأربعون حدیثاً فی المهدی*، ص۸۹).

۵۶. برای نمونه‌های بیشتر ر.ک: *الأربعون حدیثا فی المهدی*، سراسر کتاب؛ *العَرف الوردی*، سراسر کتاب؛ *عقد الدرر*، سراسر کتاب. برای یک دسته‌بندی از موضوعات روایات اهل سنت در باب مهدویت ر.ک: *درسنامه مهدویت*، ص۸۵ - ۹۷.

آثار پیش برویم.

یکی از نخستین آثاری که درباره روایات موجود در سنت حدیثی اهل سنت درباره موضوع مهدویت به رشته تحریر درآمده است، کتاب *الأربعون فی المهدی* است که آن را محدث برجسته ابونعیم اصفهانی (م۴۳۰ق) نگاشته است. وی در این اثر به ذکر چهل حدیث مهم درباره مهدی موعود در موضوعات متنوع می‌پردازد. بررسی متن این کتاب نشان می‌دهد که نمی‌توان روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» را در آن جست.[۵۷]

بیش از دو سده بعد و در سده هفتم قمری، یوسف بن یحیی السلمی الشافعی (م۶۸۵ق) کتابی با نام *عقد الدرر فی أخبار المنتظر و هو المهدی* ـ علیه السلام ـ در باب روایات وارده شده درباره مهدی موعود ـ علیه السلام ـ نگاشته شده است. وی در این اثر، ۳۹۲ روایت را، بدون محاسبه تکرار، در موضوع مهدی موعود نقل می‌کند. در این کتاب نیز نمی‌توان روایت «أفضل الاعمال انتظار الفرج» را یافت. تنها یک روایت را از امیرالمؤمنین ـ علیه السلام ـ می‌توان جست که دارای ترکیب اصلی روایت مورد بحث ماست؛ یعنی ترکیب «انتظار الفرج». متن روایت ذکر شده در این اثر چنین است:

> **انتظروا الفرج فی الثلاث. قلنا: یا امیرالمؤمنین و ماهی؟ قال: اختلاف اهل الشام بینهم، و الرایات السود من خراسان، و القرعة فی شهر رمضان.**[۵۸]

با توجه به تعریفی که پیش‌تر ارائه دادیم، این روایت، روایتی پیرامونی برای روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» خواهد بود، اما نمی‌توان آن را نقلی از روایت مورد نظر دانست.

یک سده پس از کتاب *عقد الدرر*، جلال الدین سیوطی کتابی را با عنوان *العَرف الوردی فی أخبار المهدی* می‌نگارد و در آن ۱۰۷ حدیث و ۱۲۴ اثر از صحابه و تابعان در باب مهدی موعود نقل می‌کند.[۵۹] بررسی این اثر نیز نشان می‌دهد که روایت مورد نظر ما، در آن راه نیافته است.[۶۰]

در دوره معاصر نیز از میان اهل سنت، برخی به نگارش آثاری درباره روایات مربوط به مهدی موعود دست زده‌اند. در برخی از این آثار با وجود آن که مؤلف کوشیده همه روایت‌های ضعیف و معتبر را گردآوری کند، باز سراغ روایت مورد بحث ما نرفته و آن را وارد

---

۵۷. ر.ک: سراسر کتاب.

۵۸. *عقد الدرر*، ص۱۶۹.

۵۹. *العرف الوردی*، ص۴۷.

۶۰. ر.ک: سراسر کتاب.

کتاب خود ننموده است.[۶۱]

تحلیل چرایی تفاوت خوانش

آنچه که از ابتدای این نوشتار تاکنون تلاش کرده‌ایم که به آن بپردازیم، آن بوده که چرا با وجود باور اهل سنت به مسأله مهدویت، روایت مورد نظر ما در سنت روایی آنها تنها به مثابه سخنی اخلاقی دریافت گردیده است. تا این‌جا کوشیدیم نشان دهیم که زمینه صدور روایت مورد بحث، در کنار کاربرد آن در منابع حدیثی اهل سنت موجب شده‌اند تا همواره «انتظار الفرج» در روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» به انتظار گشایش سختی‌های زندگی فهم گردد. به این ترتیب، این روایت ـ که در بسیاری آثار شیعی در بافت مسأله فرج مهدی موعود ـ علیه السلام ـ کاربرد یافته ـ به میان روایاتی از اهل سنت ـ که درباره موضوع مهدویت هستند ـ راه نیافته است.

اگر بخواهیم نقش زمینه صدور و زیادت‌های لفظی و نیز کاربردهای روایت مورد بحث را در به کار نرفتن آن در بحث مهدویت در میان اهل سنت تحلیل کنیم، باید گفت که به گمان قوی این سه عامل، موجب شکل گیری گفتمان تفسیری ویژه‌ای برای روایت مورد بحث ما فکری اهل سنت گردیده‌اند. به دیگر سخن، گفتمان تفسیری حاکم بر این روایت در سنت فکری اهل سنت برساخته سه عامل مهم بوده است: نخست، زمینه صدور این روایت است. در واقع، ایجاد ارتباط میان مفهوم «انتظار فرج» و مسأله قیام امام عصر ـ علیه السلام ـ از سوی معصومان ـ علیهم السلام ـ یک عامل مهم در ورود این روایت به گفتمان مهدویت در شیعه گردیده است. عامل دیگر را می‌توان زیادت‌های لفظی برخی نقل‌های آن، همانند عبارات «و من رضی بالقلیل من الرزق، رضی الله منه بالقلیل من العمل» و «سلو الله من فضله، فإن الله یحب أن یسأل» دانست. این زیادت‌های لفظی، جهت بیانی روایت را برای خوانش‌گر اهل سنت به گونه‌ای شکل می‌داده‌اند که وی از روایت مورد بحث، انتظار گشایش در امور زندگی را فهم کرده است. سرانجام به مثابه عامل سوم باید از

۶۱. عبدالعلیم عبدالحلیم البستونی دو کتاب با نام‌های *المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث و الآثار الصحیحة*، و *موسوعة فی أحادیث الامام المهدی الضعیفة و الموضوعة* نگاشته است (ر.ک: سراسر این دو اثر). در دوره معاصر، یکی از پژوهشگران شیعی نیز با نام عبدالکریم عبداللهی در کتابی با نام *طبقات راویان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت*، دست به بررسی گسترده روایات مربوط به موضوع مهدویت در آثار اهل سنت زده است. با این حال، در این مورد نیز شاهدیم که روایت مورد بحث ما، در فهرست روایات مرتبط با مسأله مهدی موعود قرار نگرفته است (ر.ک: *طبقات راویان*، سراسر کتاب).

کاربردهای این روایت در جوامع حدیثی اهل سنت یاد کرد که خوانش رایج را پیوسته بازتولید می‌کرده‌اند.[۶۲] این سه عامل ـ که حضور قابل توجهی در متون حدیثی و تفسیری اهل سنت از آنها شاهد بوده‌ایم ـ اجازه نمی‌داده‌اند که خوانش‌گر اهل سنت، بتواند از گفتمان تفسیری رایج این روایت خود را برهاند.

اما نکته دیگر به کار نرفتن روایت مورد بحث ما در مباحث مربوط به مهدویت در میان اهل سنت بود. تبیینی که برای این مسأله می‌توان پیشنهاد نمود، آن است که این موضوع، تحت تأثیر گفتمان تفسیری حاکم بر این روایت در میان اهل سنت صورت گرفته است. آن گونه که نشان دادیم، احادیث و آثاری که اهل سنت در ارتباط با مسأله مهدویت به آنها استناد می‌کنند، پرشمار است. با این حال، بررسی این منابع ـ که برخی حالتی دایرة المعارف گون نیز دارند ـ نشان داد که روایت ما هیچ گاه در این حوزه در میان اهل سنت مورد استناد نبوده است. به نظر، سه عامل یاد شده در بند پیش ـ که در برساختن گفتمان تفسیری این روایت، نقشی اساسی داشته‌اند ـ همواره حکم به خوانش اخلاقی آن داده‌اند. به این ترتیب، مؤلفان آثار مرتبط با موضوع مهدویت، به دلیل نوع خوانش رایج آن در مذهب خود، هیچ گاه در آثار حدیثی اهل سنت درباره مسأله مهدویت وارد نساخته‌اند.

نتیجه

پرسش اصلی‌ای که در این نوشتار به دنبال پیشنهاد پاسخی برای آن بودیم، آن بود که چرا در آن دسته از منابع روایی اهل سنت که به مسأله مهدویت پرداخته‌اند، بر خلاف منابع شیعی، اشاره‌ای به روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» نداشته‌اند.[۶۳] آنچه که به مثابه فرضیه پیش نهاده بودیم، آن بود که به نظر خوانش اهل سنت از این روایت، نسبت به خوانش شیعی آن متفاوت است. به این ترتیب، در آغاز کوشیدیم بیابیم که خوانش رایج میان اهل سنت، درباره این روایت چیست. بررسی‌ها نشان داد که به نظر، سه عامل در این میان تأثیرگذار بوده‌اند: نخست، زمینه صدور روایت و دوم، زیادت‌های لفظی برخی

۶۲. نگاه کنید به بند پایانی بخش دوم، قسمت «ب» از این نوشتار.

۶۳. پیش‌تر اشاره کردیم که در جوامع حدیثی اهل سنت، روایت مورد بحث وجود دارد، اما در معنای اخلاقی آن مراد بوده است. در تکنگاری‌های اهل سنت درباره مسأله مهدی موعود (ع)، اگرچه که ما همه منابع را جستجو نکرده ایم، اما می‌توان تصور کرد، که اگر این روایت در این ادبیات در میان اهل سنت، قابل توجه بود، آنگاه حتما باید تک نقلی از آن در آثاری که ما جستجو کرده ایم قابل مشاهده باشد.

نقل‌های آن، و سوم، کاربردهای این روایت در نقش سخنی حکمت آمیز و پندآموز. بررسی هر سه عامل نشان داد که آنها خوانش‌گر سنی مذهب روایت مورد بحث را به این سمت متمایل می‌کرده‌اند که خوانشی اخلاقی از آن ارائه دهد. به این ترتیب، می‌توان گفت که به نظر، این سه عامل، عوامل اصلی شکل دهنده به گفتمان تفسیری این روایت در میان آثار اهل سنت بوده‌اند. بررسی آثار روایی شیعی نشان داد که زمینه صدور روایت مورد بحث و نیز کاربردهای آن، موجب شکل گیری خوانش قائم‌ـمحور از آن در فضای فکری شیعی گردیده است.

در تبیین این موضوع که چرا میان روایت «أفضل الأعمال انتظار الفرج» و مسأله مهدویت در آثار روایی اهل سنت پیوندی ایجاد نشده است، شاید بتوان گفتمان تفسیری حاکم بر این روایت را عاملی دارای مهم‌ترین نقش دانست. در واقع، خوانش‌گران اهل سنت، حتی اگر ببینند که در منابع شیعی خوانشی مرتبط با مسأله مهدویت از این روایت ارائه داده‌اند، اما با مراجعه به سنت خود، شاهد خواهند که به سبب بودن فهمی غیر مرتبط از این روایت در باره مسأله مهدویت، آن را وارد آثار روایی اختصاص یافته به این مسأله نکرده‌اند. به این ترتیب، این قدرت گفتمان تفسیری این روایت در میان اهل سنت بوده است که اجازه به کارگیری آن را به گونه‌ای که در مذهب شیعه می‌توان شاهد بود، به خوانش‌گر اهل سنت نمی‌داده است.

کتابنامه

ـ *الإحتجاج*، طبرسی، احمد بن علی، تحقیق: محمد باقر موسوی الخرسان، بی جا: دارالنعمان، اول، ۱۳۸۶ق.

ـ *إحیاء علوم الدین*، غزالی، محمد بن محمد، تحقیق: حسین خدیو جم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۷۵ش.

ـ *أدب الدنیا والدین*، ماوردی، علی بن محمد، تحقیق: محمد کریم رایج، بیروت: دار القراء، چهارم، ۱۴۰۵ق.

ـ *الأربعون حدیثا*، شهید اول، محمد بن مکی، تحقیق: مدرسة الامام مهدی ـ علیه السلام ـ قم: اول، ۱۴۰۷ق.

ـ *الأربعون حدیثاً فی المهدی*، ابونعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله، تحقیق: علی جلال باقر، بی جا: مرکز الأبحاث العقائدیة، اول، بی تا.

- *الأمالی*، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق: موسسة البعثة، بی جا: موسسة البعثة، اول، ۱۴۱۷ق.
- *الأمالی*، طوسی، محمد بن حسن، مقدمه نویس: محمدصادق بحرالعلوم، بی جا: مطبعة نعمان، اول، ۱۳۸۴ق.
- *امام مهدی ـ علیه السلام ـ*، رضوی، رسول، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، اول، ۱۳۸۴ش.
- *الآداب*، بیهقی، احمد بن حسین، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا ومجدی سید الشوری، بیروت: دار الکتب العلمیة، اول، ۱۹۸۶ م.
- *بحار الأنوار*، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، تحقیق: محمد باقر بهبودی، بیروت: دار إحیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
- *بررسی تطبیقی مهدویت در روایات شیعه واهل سنت*، اکبرنژاد، مهدی، قم: بوستان کتاب، اول، ۱۳۸۸ش.
- *التحریر والتنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*، ابن عاشور، محمد طاهر، تحقیق: موسسة التاریخ العربی، بی جا: موسسة التاریخ العربی، اول، ۱۴۲۱ق.
- *تحف العقول عن آل الرسول*، ابن شعبه، حسن بن علی، تحقیق: علی اکبر غفاری، ترجمه: محمد باقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، هشتم، ۱۳۸۰ش.
- *تفسیر العیاشی*، عیاشی، محمد بن مسعود، تحقیق: هاشم رسولی، تهران: علمیة اسلامیة، دوم، ۱۳۷۱ق.
- *تفسیر القرآن العظیم*، ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۰۳ق.
- *تفسیر ابی السعود: المسمی ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم*، ابوالسعود، محمد بن محمد، تحقیق: دار احیاء التراث العربی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، اول، بی تا.
- *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، طبری، محمد بن جریر، تحقیق: محمود محمد شاکر، احمد محمد شاکر، بیروت: دارالمعارف، اول، ۱۹۶۱م.
- *الجامع الصحیح وهو سنن الترمذی*، ترمذی، محمد بن عیسی، تحقیق: احمد محمد شاکر، بی تا: مطبعة مصطفی البابی الحلبی واولاده، اول، ۱۳۵۶ق.
- *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، سیوطی، عبدالرحمن بن ابوبکر، تحقیق: مکتبة آیة الله

المرعشی النجفی، قم: مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، اول، ۱۴۰۴ق.
- *درسنامه مهدویت*، سلیمیان، خدامراد، تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ـ علیه السلام ـ اول، ۱۳۸۷ش.
- *دستور معالم الحکم*، قضاعی، محمد بن سلامة، حاشیه: محمد سعید رافعی، مصر: المکتبة الأزهریة، اول، ۱۳۳۲ق.
- *الصبر و الثواب علیه*، ابن ابی الدنیا، عبدالله بن احمد، تحقیق: محمد خیر رمضان یوسف، بی جا: دار ابن ازحم، یک، ۱۸۹.
- *الصحیفة المهدی*، قیومی اصفهانی، جواد، قم: دفتر نشر اسلامی، دوم، ۱۳۷۵ش.
- *الصراط المستقیم الی مستحقی التقدیم*، نباطی عاملی، علی بن محمد، تحقیق: محمدباقر بهبودی، بی جا: مرتضوی، اول، ۱۳۴۲ش.
- *طبقات راویان احادیث مهدویت از طریق اهل سنت*، عبداللهی، عبدالکریم، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، اول، ۱۳۸۶ش.
- *العرف الوردی فی أخبار المهدی*، سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تحقیق: أبی یعلی البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیة، اول، ۱۴۲۷ق.
- *عقد الدرر فی أخبار المنتظر و هو المهدی*، مقدسی شافعی سلمی، یوسف بن یحیی، تحقیق: مهیب بن صالح بن عبدالرحمن البورینی، الزرقاء: مکتبة المنار، دوم، ۱۴۱۰ق.
- *عون المعبود شرح سنن أبی داوود*، العظیم آبادی، محمد اشرف بن امیر تحقیق: عبدالرحمن محمد عثمان، مدینه: محمد عبدالحسن، ۱۳۸۹ق.
- *عیون أخبار الرضا*، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق: انتشارات موسسه الاعلمی، بیروت: موسسه الاعلمی، اول، ۱۴۰۴ق.
- *الغیبة*، نعمانی، محمد بن ابراهیم، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبة الصدوق، اول، بی تا.
- *الفرج بعد الشدة*، تنوخی، محسن بن علی، تحقق: عبود الشالجی، بیروت: دار صادر، اول، ۱۳۹۸ ق.
- *الفروع*، ابن مفلح، محمد بن مفلح، تحقیق: عبدالله بن عبدالمحسن الترکی، ریاض: دارالمؤید، اول، ۱۴۲۴ق.
- *الکافی*،کلینی، محمد بن یعقوب، ترجمه: جواد مصطفوی، هاشم رسولی، تهران: انتشارات وفا، اول، ۱۳۸۲ش.

- *الکشف والبیان فی تفسیر القرآن المعروف بتفسیر الثعلبی*، ثعلبی، احمد بن محمد، تحقیق: حسن کسروی، بیروت: دار الکتب العلمة، اول، ۱۴۲۵ق.
- *کمال الدین وتمام النعمة*، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق،؟؟؟ (چندمین چاپ)، ۱۳۶۳ش.
- *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، متقی، علی بن حسام الدین، تحقیق: بکری حیانی و صفوه سقا، بی جا: موسسة الرسالة، اول، ۱۴۰۵ق.
- *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، هیثمی، علی بن ابی بکر، تحقیق: دار الکتب العلمیة، بیروت: دار الکتب العلمیة، دوم، ۱۴۰۸ق.
- *مدینة المعاجز فی دلائل الأئمة الاطهار ومعاجزهم*، بحرانی، هاشم بن سلیمان، تحقیق: عزة الله مولایی همدانی، قم: موسسة المعارف الإسلامی، اول، ۱۴۱۳ق.
- *معانی الاخبار*، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبة الصدوق، اول، ۱۳۷۹ق.
- *الملاحم والفتن*، ابن طاووس، علی بن موسی، تحقیق: ناشر، بی جا: انتشارات رضی، اول، ۱۳۹۸ق.
- *من لا یحضر الفقیه*، ابن بابویه، محمد بن علی، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: مکتبة الصدوق، اول، ۱۳۹۲ق.
- *موسوعة امام الجواد*، حسینی قزوینی، محمد کاظم بن محمد ابراهیم، زیر نظر: ابوالقاسم خزعلی، قم: موسسة الولی العصر ـ علیه السلام ـ للدراسات السلامیة، اول، ۱۴۱۹ق.
- *موسوعة فی أحادیث الامام المهدی الضعیفة والموضوعة*، عبدالحلیم البستونی، عبدالعلیم، بیروت: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزیع، اول، ۱۴۲۰ق.
- *المهدی المنتظر فی ضوء الاحادیث والآثار الصحیحة*، عبدالحلیم البستونی، عبدالعلیم، بیروت: دار ابن حزم للطباعة والنشر والتوزیع، اول، ۱۴۲۰ق.
- *نظم المتناثر من الحدیث المتواتر*، کتانی، محمد بن جعفر، مصر: دار الکتب السلفیة للطباعة والنشر، دوم، بی تا.
- *هدایة الکبری*، خصیبی، حسین بن حمدان، تحقیق: مؤسسة البلاغ للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت: مؤسسة البلاغ للطباعة والنشر والتوزیع، چهارم، ۱۴۱۱ق.
- *ینابیع المودة*، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، تحقیق: علاء الدین الأعلمی، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، اول، ۱۴۱۸ق.